

حقوق دانشجویان و تشریح شدگان در آموزش‌های پزشکی از دیدگاه حقوق بشر اسلامی

محمد مهدی حبیبی،^۱ علیرضا عسگری،^۲ سید محمد مهدی احمدی^۳

پذیرش مقاله: 1399/11/05

دریافت مقاله: 1399/10/19

چکیده

آموزش باکیفیت به دانشجویان پزشکی نیازمند تشریح علوم روی مورد طبیعی است. این پژوهش با هدف بررسی فقهی چهارچوب اخلاقی آموزش پزشکی در فقه امامیه و تطبیق آن با مذاهب چهارگانه به روش تحلیلی و توصیفی با ابزار فیش برداری انجام شده است. اهل سنت بنا به مقتضیات، اصل تشریح جسد را پذیرفته‌اند. شافعیان نزدیک‌ترین دیدگاه را در این زمینه با فقه امامیه دارند. مذهب مالکی نسبت به فساد جسد سخت‌گیری‌های بیشتری به عمل آورده است. حنابله انتقال جسد از شهری به شهر دیگر را برای تشریح ممنوع می‌دانند. حنفیان مدت محدودی را برای تشریح بیان کرده‌اند که پس از پایان آن، باید نسبت به تدفین میت اقدام کرد. همچنین اولویت تشریح جسد کافر را تصریح نکرده‌اند. همه مذاهب، رضایت بیمار را برای تشریح روی خود لازم دانسته‌اند؛ جز در مواردی که تنها راه نجات جامعه تشریح بیمار باشد که این مهم در اصل چهلم قانون اساسی منعکس شده است؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت جز در موارد جزئی، دیدگاه مذاهب چهارگانه با فقه امامیه در مورد تشریح جسد یکسان است.

واژگان کلیدی: فقه امامیه، مذاهب چهارگانه، حفظ احترام، آموزش پزشکی.

1. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

2. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران / asgarias@gmail.com (نویسنده مسئول)

3. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

به موجب حدیث معروف «ز گهواره تا گور، دانش بجوی» (أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ) از پیامبر اکرم (ص)، علم‌آموزی در اسلام، از توصیه‌های محکم است و فرامین شرعی برخاسته از تفسیر این حدیث نبوی، مفصل است. دستیابی به قله‌های علم می‌تواند یکی از راه‌های کسب قدرت برای جامعه اسلامی باشد. یکی از راهکارهای استعمار در قرن اخیر، کسب علوم و دانشی بوده که کشورهای مستعمره یا از آن بی‌بهره بوده‌اند یا در صورت تلاش برای دستیابی به آن، با چالش‌هایی از سویی استعمارگران مواجه شده‌اند. استعمار منابع طبیعی کشورها، به واسطه دانش در این موضوع حاصل شد، اما آموزش‌های پزشکی گاه به مسائل اخلاقی مرتبط بوده که نیاز است در حین آموزش بدان توجه شود. برای مثال ممکن است عکس‌هایی از برهنگی زنان و مردان برای آموزش نیاز باشد و یا بیمارانی برای آموزش پزشکی در خدمت استادان و دانشجویان قرار گیرند. مسئله مهم‌تر اینکه گاه میت برای تشریح بدن استفاده می‌شود که می‌تواند اعتراض وارثان را به دنبال داشته باشد. بر این اساس می‌توان چهارچوبی اخلاقی برای آموزش‌های پزشکی تعیین کرد که حقوق همه شهروندان رعایت شود.

فقه‌های محترم با بررسی آیات و روایات، تحت شرایطی حکم به مجازبودن وضعیت آموزش‌های پزشکی کنونی داده‌اند. منشأ صدور احکام مرتبط، آیات و روایات معتبر اسلامی است که فقه‌های اهل تشیع و اهل سنت بدان تمسک جسته‌اند، اما منابع معتبر فقه‌های اهل تشیع، در مورد تشریح جسد، بیشتر به چشم می‌خورد. تاکنون تحقیقی در مورد تطبیق نظرات مذاهب چهارگانه با فقه امامیه در مورد آموزش‌های پزشکی، ارائه نشده است. با توجه به اینکه منابعی که فقه‌های مذاهب در صدور احکام بدان تمسک جسته‌اند، یکسان بوده و همگی در سایه اسلام عزیز قرار دارند، نیاز است وجوه تشابه و تفاوت نظرات بررسی شود تا بدین وسیله، نقاط قوت و ضعف نظرات سنجیده شود. پیش‌تر تحقیقاتی در مورد احکام تشریح جسد انجام شده است، اما این تحقیقات در مورد مذاهب چهارگانه اهل سنت بسیار ناقص است؛ از این رو جنبه نوآوری پژوهش حاضر یکی تحقیق حکم تشریح جسد در مذاهب چهارگانه و دیگری چهارچوب عمومی اخلاق آموزش پزشکی است.

1. مسائل اخلاقی در آموزش پزشکی

آموزش پزشکی طی دهه‌های اخیر تحول و دگرگونی‌های زیادی را در حوزه‌های مختلف از جمله نوع، موضوع، مدت و شیوه‌های آموزشی مورد استفاده شاهد بوده است. گسترش ابعاد آموزش پزشکی، ابعاد مسائل اخلاقی مرتبط را نیز گسترده کرده است. امید می‌رود کنگره «اخلاق در آموزش پزشکی» بتواند در طرح و بررسی اهم موضوعات و گشایش راه برای فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی بعدی مثمرتر باشد. ایدئال‌های اخلاقی در بسیاری از فرهنگ‌ها و مذاهب تعریف و تبیین شده‌اند، اما صنعتی شدن جوامع و شتاب فزاینده در حوزه اقتصاد در برخی کشورها سبب رنگ‌باختن صبغه اخلاقی و غلبه نسبی مادیگری بر ارزش‌های معنوی و اخلاقی شده است. تقویت «مهارت‌های اخلاقی» در کنار افزایش «دانش اخلاقی» در جوامع، به‌ویژه در بین شاغلان به حرفه‌هایی که همواره دارای تقدس ویژه‌ای بوده‌اند، هدف مهمی است که باید با جدیت دنبال شود. مباحث متعددی را می‌توان در ارتباط اخلاق و آموزش مطرح کرد. تدوین آیین اخلاق پزشکی جمهوری اسلامی ایران، در همین راستا در حال انجام است و کارگاه‌های مشورتی در زمینه بررسی پیش‌نویس اولیه برگزار شده است. فعال‌سازی کمیته‌های اخلاق بیمارستانی، هدف اساسی دیگری است که در سال‌های اخیر در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مورد توجه بوده است.

شواهد نشان می‌دهد همان‌گونه که اخلاق جزء مهمی از آموزش پزشکی و مراقبت‌های سلامت در تمام دنیا شناخته شده است، در کشور ما نیز فعالیت‌های سودمندی در این راستا صورت پذیرفته است. به نظر می‌رسد بالابردن سطح آگاهی عموم مردم، اعم از گیرندگان و ارائه‌دهندگان خدمات سلامت، اعمال نظارت‌های لازم و ممیزی قوانین و مقررات حوزه سلامت در راستای تقویت اخلاق، هدف‌های اساسی آتی و نیازمند پیگیری هستند.

1-1. نگاه کردن به عکس‌های برهنه با هدف آموزش پزشکی

ممکن است در آموزش‌های پزشکی، از عکس‌هایی با هدف آموزش استفاده شود که اندام خصوصی افراد را نشان می‌دهند. این مورد در کتب درسی رشته‌های پزشکی وجود دارد. از دیدگاه عقلانی، اگر از این عکس‌ها با هدف حرام استفاده نشود، منعی در به‌کاربردن آن‌ها نیست و در هر حال در آموزش‌های پزشکی قابل بحث است.

2-1. استفاده از بیمار با هدف تشریح

ممکن است بیماران در حین مداوا، وسیله‌ای برای آموزش به دانشجویان شوند. بی‌شک هدف نخست از درمان بیمار، بهبود وضعیت سلامتی اوست و وسیله آموزش شدن نباید با این هدف متضاد باشد. بسیار پیش آمده است که در جریان عمل، بیمار وسیله‌ای برای آموزش بوده است.

3-1. تشریح جسد میت تشریح در لغت به معنای گشودن و آشکار ساختن چیزی، بیان کردن و

شرح دادن مطلب، شرحه شرحه کردن، قطعه قطعه کردن، از هم جدا کردن (فرهنگ لغت عمید)، نیک شرح کردن، نیک بیان کردن، به کمال وضاحت بیان کردن و آشکار کردن (فرهنگ لغت دهخدا)، شرح دادن و کارکردن روی کالبد مرده انسان برای شناسایی و شرح عمل اعضای کالبدشکافی (فرهنگ لغت معین)، بازشکافی و کالبدشکافی (فرهنگ واژه‌های سره) آمده است.

تشریح در زبان عرب به معنای «جدا کردن گوشت از عضو به شیوه‌ای مخصوص» و به قولی دیگر جدا کردن گوشت از استخوان به شیوه‌ای مخصوص آمده است و به قطعۀ جدا شده، شرحه یا شریحه می‌گویند. تشریح یعنی «شرحه کردن» و در لغت به معنای اظهار و کشف و تبیین شی نیز آمده است (فرهنگ لغت عربی به فارسی). تشریح را در فارسی کالبدشکافی و در زبان لاتین دسکشن^۱ می‌گویند.

دو مفهوم تشریح و کالبدشکافی، در حوزه پزشکی در عمل ملازم یکدیگرند. معنای تشریح در اصطلاح پزشکی عبارت است از مطالعه وضعیت اجزای مختلف بدن یا مطالعه و شناخت ساختمان بدن انسان و اندام‌های مختلف تشکیل دهنده آن و روابط فی مابین اندام‌ها (بهشتی، 1392: 60).

2. بررسی دیدگاه فقهی در مورد آموزش‌های پزشکی

در مورد مصادیق مسائل غیراخلاقی پزشکی بحث شد. در اینجا دیدگاه فقهای محترم اهل تشیع و تسنن در این مورد بررسی می‌شود.

3-2. دیدگاه علمای اهل تشیع

فقهای شیعه متفق‌القول، استفاده از عکس‌های مبتذل با هدف آموزش را به شرط عدم شهوت‌رانی در حین نگاه و تنها به صرف آموزش مجاز دانسته‌اند. بعضی فقها، مشکوک‌الاسلام بودن جسد تشریح‌شده را از نظر حرمت و عدم حرمت، به کافر ملحق کرده‌اند، ولی برخی دیگر قائل به تحصیل

شده‌اند؛ یعنی اگر جسد در بلاد اسلامی یافت شود، محکوم به اسلام و اگر در بلاد کفر پیدا شود، محکوم به کفر است (سیستانی، 1414ق: 458).

آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به این پرسش که اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست، جسد مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب، آیا مجازیم آن را تشریح کنیم؟ فرموده‌اند: «اگر اماره‌ای (نشانه معتبری) بر اسلام یا ذمه اسلام پس از فحص و تحقیق نباشد و وقف امور هم بر تشریح آن باشد و اجازه گرفتن از حاکم شرع که بصیر در موضوعات و احکام است بشود، در موارد خاصه‌اش، دور نیست جایز باشد». (سایت امام خامنه‌ای).

ایشان در مورد آموزش پزشکی به وسیله عکس‌ها و فیلم‌های شهوت‌برانگیز، مسئله نیت از آموزش را بیان کرده و فرموده‌اند صرف آنکه این وسایل تنها ابزار آموزش باشند، منعی در استفاده از آنان نیست. آیت‌الله فاضل لنکرانی استفاده از بیمار برای آموزش پزشکی را به شرط عدم تأثیر بر وضعیت بهبود سلامتی‌اش، مجاز دانسته‌اند. همچنین در پاسخ به این پرسش که اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست، جسد مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب، آیا مجازیم آن را تشریح کنیم، می‌گویند مانعی ندارد (فاضل لنکرانی، 1377: 576).

آیت‌الله مکارم شرط رضایت در آموزش را رکن اصلی دانسته و بیان داشتند نمی‌توان هیچ شخصی را به ابزار بودن در آموزش پزشکی مجبور کرد (مکارم شیرازی، 1380: 448).

آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره این پرسش می‌گویند، شرط بیع و معامله در این مورد نیز وجود دارد و شرایط اهلیت، رضایت و هدف صحیح و مشروع شرط اصلی آموزش روی انسان است (گلپایگانی، 1394: 60؛ صافی گلپایگانی، 1419ق: 55).

امام خمینی (ره) در پاسخ به این پرسش که اگر میتی مشکوک باشد که مُسلم است یا کافر و راهی برای حکم به اسلام او نباشد، تشریح کردن آن جایز است یا خیر، می‌فرماید مانع ندارد (موسوی خمینی، 1380: 42).

مرحوم آیت‌الله خوئی می‌فرمایند: «تشریح مرده کافر با جمیع اقسامش، جایز و بلا مانع است. همچنین تشریح بدن میتی که در اسلام و کفرش شک داریم، جایز است و در این حکم فرقی نمی‌کند که مرده در بلاد اسلامی باشد یا غیر بلاد اسلامی» (خوئی، 1418ق: 426).

2-2. دیدگاه علمای اهل تسنن

دیدگاه کلی اهل سنت، شرایطی را که پیش‌تر بیان شد، برای آموزش پزشکی برشمرده و حکم کلی تشریح در دو مذهب اسلامی یکسان است، اما جزئیات مرتبط با جسد در مذاهب مختلف متفاوت است و برخی استنادهای جزئی در مورد اجساد، بین مذاهب مختلف اهل سنت اندکی تفاوت دارد که بیشتر به نحوه تشریح جسد مرتبط است و نه اصل آن. علمای بزرگ اهل تشیع و تسنن بر یکسان‌بودن نظر عمومی اخلاق آموزش پزشکی تأکید دارند. در اینجا به تفکیک مذاهب چهارگانه دیدگاه‌ها در مورد آموزش پزشکی بیان شده است.

2-2-1. دیدگاه حنفی

حکم اولی در این مذهب بر لزوم تجهیز و تدفین به موقع میت است و نگهداری آن توجیه شرعی ندارد. در کتب فقهی این مذهب، شرایط بسیار دشواری آن هم در مواقع اضطرار، برای نگاه‌داشتن جسد تعیین شده است که در اینجا به بحث در این مورد می‌پردازیم.

آموزش علوم تجربی در مکتب‌خانه‌های پیشین رواج داشت و گاه ترسیم اجزای بدن روی کاغذ، وسیله آموزش بوده است که به علت نیاز به آموزش، به شرط عدم تمسخر علم و علم‌آموزی، این عمل صحیح شناخته شد (شرنبلالی، 2009: 123). البته توصیه شده است که در صورت لزوم، آموزش پسران و دختران جداگانه انجام شود، چراکه مطرح‌شدن برخی مسائل، سبب توجه نامشروع به یکدیگر می‌شود (ابن نجیم، 1412ق: 210). حتی استفاده از وسایل شخصی با هدف آموزش را نیازمند کسب اجازه از صاحب آن دانسته‌اند (ابن عابدین، 1412ق: 236). بر این مبنا می‌توان آموزش روی انسان زنده را مستلزم کسب اجازه از وی دانست. حتی برای تشریح بیمار بدون اجازه وی، بحث دیه پیش کشیده شده است (حسینی حموی، 1400ق: 276). در هر حال توصیه شده است که حتی نقاشی‌های با هدف آموزش، به صورت محرمانه در اختیار دانشجویان قرار گیرند و وسیله شهوت‌رانی افراد با قلب مریض نشوند (بلخی، 1400ق: 136). هرگونه بی‌احترامی به بیمار در حین تشریح، مستلزم عذرخواهی رسمی از وی دانسته شده است (ابن‌نجیم، 1412ق: 210). در دیدگاهی دیگر، تنها تشریح بیمار نابالغ با اجازه والدین صحیح دانسته شده است (سرخسی، 480ق: 254). برخی نیز لزوم عدم اختلاط جنسیت در آموزش‌های پزشکی را توصیه کرده‌اند (مودود، 1401ق: 365).

نظر جمهور فقهای حنفی در مورد تشریح جسد، مدت محدود و سپس دفن آن است. در این مورد

می‌توان به فتوای داماد افندی اشاره کرد. اداره امنیت آن زمان که در حکم پلیس آگاهی امروزه است، با هدف آموزش به کارآموزان افسری نیازمند تشریح جسد بود که بنا به فرموده ایشان، با حفظ حرمت جسد و ممانعت از فساد آن - که با توجه به امکانات آن زمان تنها یک ماه بود - اجازه تشریح به مدت یک ماه را صادر کرد (داماد افندی، 1079ق: 254). آسیب‌رساندن به میت برای اعمالی همچون آموزش عمل جراحی ممنوع است. در فتوای این مذهب، جسد تنها با رضایت خانواده، وصیت وی یا مجهول‌الهویه‌بودن به دانشگاه سپرده شده و عمل بخیه روی پوست بدن میت، بلامانع است.

با توجه به قدمت آموزش پزشکی در مصر، نیاز به تشریح جسد احساس می‌شد. در این باره حصفکی این فتوا را صادر کرد و تنها بخیه‌زدن روی پوست میت را جایز دانست و رضایت خانواده را نیز با توجه به موروثی‌بودن جسد، یکی از شرایط واگذاری خواند (حصفکی، 1088ق: 254)، اما جداسازی اعضا از بدن میت، همچون جداسازی ستون فقرات، جداسازی کلیه و دیگر عوامل، به صورت کلی ممنوع بوده و در صورت اعمال آن دیه ثبوت پیدا می‌کند. همچنین می‌توان با شکافتن شکم میت اعضای آن را تشریح کرد، ولی مجاز به جدایی اعضا نبوده و تنها معرفی آن‌ها ضرورت دارد (ابن عابدین، 1412ق: 43). با توجه به فتوای داماد افندی که با توجه به امکانات آن زمان مدت یک ماه را برای تشریح جسد مناسب دانست، این مدت زمان در برخی منابع، یک ماه، در برخی منابع شش ماه و در برخی یک سال آمده است؛ ولی جمهور فقهای حنبلی مدت شش ماه را برای تعلیق تدفین میت لحاظ کرده‌اند و درنهایت جسد باید پس از شش ماه، با حفظ احترام دفن شود.

از این منابع چنین برداشت شده است که توصیه فقاه اهل سنت حنفی همانند فقه امامیه به لزوم و ضرورت جان مسلمانان بوده، ولی در نحوه تشریح، احکام متفاوتی وجود دارد. اولویت داشتن جسد کافر برای تشریح نیز در منابع فقه مشاهده نشده است و تنها شرایط بیان‌شده، مهم‌ترین نکات پیرامون تشریح جسد بوده است. مسئله دیه نیز با فقه امامیه متفاوت است و جز صورت بیرونی جسد، آسیب‌رساندن به هر عضو داخلی در حین تشریح مستوجب دیه است؛ درحالی‌که فقه امامیه با سخت‌گیری کمتر، اجازه آسیب به اجزای داخلی بدن را داده است.

2-2-2. دیدگاه حنبلی

لزوم حفظ جان انسان در این مذهب اسلامی توصیه شده است و استثناهای فراوانی برای این مهم

برشمرده‌اند. دیده‌شدن آلت تناسلی بیمار توسط پزشک غیرهم‌جنس در صورت لزوم مجاز شمرده شده است (عبدالسمیع، 1405ق: 117). در واقع عملی که بتواند موجب نجات جان مسلمانان شود، کاملاً توصیه شده و طیبیان محرم بیماران خوانده شده‌اند (حنبل، 1415ق: 541). لزوم همراه‌بودن یک محرم در کنار بیماری که اندام خود را به حکیم نشان می‌دهد، ضروری دانسته شده است و بدون ذکر نام بیمار، شرح ماجرا برای طلاب رشته نیز مجاز است (شرینی، 1411ق: 366). بیان هر مطلب تحریم‌آمیز در جمع مختلط مردان و زنان، دارای بحث جدی در بین فقهاست و چنین بیان شده است که در صورت بیان چنین بحث‌هایی، نیاز به طرح جداگانه آن است (ابن قدامه، 1411ق: 54). همچنین استفاده از بیمار کودک برای آموزش به حکیمان آن زمان مجاز دانسته شده بود (ابن قدامه، 1411ق: 435).

براساس نظر جمهور فقها، حکم تشریح جسد با هدف آموزش پزشکی مجاز است. انتقال میت از شهری به شهر دیگر ممنوع است و در محلی که فوت کرده است، می‌توان جسدش را تشریح کرد. این فتوا توسط چند تن از فقهای بزرگ مذهب حنبلی داده شده و استناد مناسبی دارد؛ از این رو جابه‌جایی جسد با هدف تشریح ممنوع شمرده شده است. وصیت و مجهول‌الیه‌بودن تنها راه تشریح جسد مسلمان است. چنین تفسیر شده است که رضایت وراث اگر منطبق بر رضایت متوفی نباشد، قدرت اعمال ندارد. در این مورد چون جسد ارزش مالی ندارد، نمی‌توان به حکم توارث نسبت به رضایت وراث برای واگذاری آن اقدام کرد (نجدی، 1097ق: 245).

اولویت تشریح با جسد کافر است. این مسئله به‌رغم بیان‌نشدن در مذهب حنفی، در اینجا به‌صراحت عنوان شده است و همچون فقه امامیه، باید با حفظ اولویت جسد کافر، تشریح را انجام داد (قاری، 1359ق: 543). نکته مهم اینکه تشریح تنها برای هم‌جنسان مجاز است و تشریح جسد زن برای دانشجویان و استاد زن و تشریح جسد مرد برای دانشجویان و استاد مرد مجاز خواهد بود. در این مذهب نسبت به هم‌جنس‌بودن تشریح‌کنندگان و تشریح‌شونده سخت‌گیری خاصی شده است (قاری، 1359ق: 543). مدت زمانی محدودیت تشریح بیان نشده است و میت را تا هر زمان که نیاز باشد می‌توان در دانشگاه نگاه داشت (بهوتی، 1051ق: 324). در مورد دیه نیز سخت‌گیری خاصی نشده است؛ از این رو قطعه‌قطعه‌کردن جسد با هدف آموزش پزشکی مجاز بوده و پس از بی‌استفاده‌بودن جسد، می‌توان آن را تدفین کرد. رضایت وراث میات برای تشریح جسد کافی نبوده و

تنها وصیت میت در زمان زنده‌بودن می‌تواند دلیلی بر تشریح باشد؛ علت آن را نیز فقدان ارزش مالی میت برشمرده‌اند که رضایت وراثت در این باره کافی نیست.

2-2-3. دیدگاه شافعی

آموزش مختلط به طلاب، در صورت رعایت مسائل اخلاقی و محتمل‌نبودن مفسده، مجاز شمرده شده است (نووی، 1408ق: 101). بر این اساس، می‌توان به شرط ناشناخته‌ماندن صاحب‌اندام، شرح آن را به دانشجویان بیان کرد (انصاری، 1407ق: 431). مسئله ناشناخته‌بودن، در منابع زیادی عنوان شده و چنین بیان شده است که حتی مدارس مختلف می‌توانند با یکدیگر توافق‌هایی در این مبنا داشته باشند (ماوردی، 1417ق: 62). در صورت خطرناک‌بودن بیماری و امکان همه‌گیری آن، تشریح بیمار حتی بدون رضایت وی نیز توصیه شده است (انصاری، 1407ق: 438). در واقع نجات جامعه از همه چیز واجب‌تر است و اگر بتوان با تشریح یک بیمار، ایمنی لازم را ایجاد کرد، باید این مهم انجام شود (نووی، 1408ق: 231). در منابع دیگر، اگر آموزش متأثر بر بهبود سلامت شناخته شود، از آن نهی نشده است (ابواسحاق، 1416ق: 138). تصویر نقاشی‌شده برای آموزش علوم پزشکی، کاملاً مجاز شناخته شده است (عبده، 1330ق: 652).

دیدگاه فقهای شافعی در مورد تشریح جسد، بیشترین قرابت را با فقه امامیه دارد و تقریباً نمی‌توان تفاوتی در دیدگاه کلی آنان با فقه امامیه یافت. لزوم احترام به مسلمان و عدم احترام کافر، اولویت تشریح جسد کافر، احترام کامل میت در حین تشریح، استفاده به قدر نیاز، ضرورت تشریح با هدف حفظ جان مسلمانان و دیگر مسائلی که جزئیات آن در فصل پیشین بیان شد، در اینجا نیز عنوان شده است و فقهای شافعی بدون کمترین تغییر در آنچه فقه امامیه بیان کرده است، نسبت به وجوب استفاده از جسد برای تشریح، فتوا داده‌اند. در صورت آسیب عمدی به جسد نیز دیه لحاظ شده است که به موجب احکام اسلامی، باید مانند دیه انسان زنده پرداخت شود.

2-2-4. دیدگاه مالکی

در این مذهب اسلامی، بر حفظ جان مسلمانان بسیار تأکید شده است و هر اقدام مرتبط با ضروری انگاشته‌اند؛ از این رو تشریح بیمار، عکس و جسد که با هدف حفظ جان مسلمانان صورت می‌گیرد، ضرورت دارد (دسوقی، 1413ق: 428) و عملی مشروع تلقی می‌شود. فقهای این مذهب بارها سفارش

کرده‌اند که امکانات امروزه باید مانع فساد جسد شوند (العدوی، 1415ق: 342). در صورت فاسدشدن جسد، دیه بر خاطیان تعلق می‌گیرد. این مذهب در مورد دیه سخت‌گیری فراوانی داشته و بر فاسدشدن جسد، دیه مشخص کرده است؛ از این رو باید با امکانات پیشرفته مانع فساد جسد شد. عریان‌کردن آلات تناسلی جسد منع شده است و این مسئله در فتاوی فقهای این مذهب آمده است. جداکردن اجزای جسد با هدف آموزش منعی نداشته و در غیر این صورت بدان دیه تعلق می‌گیرد. نگه‌داشتن جسد با هدف استفاده آن در آینده مجاز شمرده شده است و قدر نیاز در این مذهب سفارش نشده است، چراکه ممکن است در آینده نیازی پیش آید که تهیه آن ممکن نباشد (مواق مالکی، 1407ق: 409)؛ از این رو بر این مبنا حکم کلی تشریح جسد در این مذهب اسلامی مجاز شمرده شده است.

3-2. تطبیق دیدگاه مذاهب چهارگانه

همه مذاهب اسلامی بر لزوم حفظ جان مسلمانان تأکید دارند و آن را ارجح بر تمامی امور می‌دانند. دیدگاه فقهای محترم در مذاهب مختلف در مورد تشریح عکس به شرط ناشناس‌بودن صاحب عکس و هدف صرف آموزشی، حکم به مجازبودن آن است. در مورد تشریح بیمار نیز تفاوت چندانی بین نظر فقها مشاهده نشده و لزوم رضایت بیمار بر تشریح و عدم تأثیر آموزش بر سلامتی وی، مورد بحث است. مذهب حنفی بیشترین اظهارنظر را در مورد تشریح جسد کرده است و با توجه به آنکه در کشورهای اسلامی مانند مصر، آموزش پزشکی قدرت چند هزار ساله دارد، به اظهارنظر درباره آن پرداخته‌اند. علمای شافعی نیز نظراتی داشته‌اند. در کل این دو مذهب را می‌توان دارای بیشترین سهم در تحقیقات فقهی در این حوزه دانست. حنفیان در مورد فساد جسد سخت‌گیری کرده و برای خاطیان آن دیه لحاظ کرده‌اند. مسئله دیه در این مذهب به صورت سخت‌گیرانه اعمال شده است؛ اما حنابله در دیدگاهی منطقی‌تر، فساد جسد را مستوجب دیه ندانسته‌اند. در مقابل سخت‌گیری بر هم‌جنس‌بودن تشریح‌شونده و تشریح‌کنندگان است که حرمت میت کاملاً حفظ شود و این مسئله در دیگر مذاهب چندان مورد توجه نبوده است.

دیدگاه شافعی را می‌توان تعدیل‌یافته خواند. ایشان مانند فقه شیعه، دیه را تنها برای جنایت بر جسد خوانده‌اند. طبیعتاً مثله‌کردن جسد و در نهایت فساد و تدفین آن، با توجه به ضرورت آموزش علم پزشکی منعی ندارد. مذهب مالکی نیز برای فاسدشدن جسد دیه تعیین کرده است، اما نسبت به مثله‌کردن آن، سخت‌گیری نکرده و آن را برای آموزش پزشکی و حفظ جان مسلمانان ضروری

خوانده است، اما این مذهب مانند حنفیان، نسبت به جنسیت جسد سخت‌گیری کرده و عریان‌کردن مو و آلت تناسلی جسد را کاملاً ممنوع دانسته‌اند. در مذهب مالکی، قدر نیاز رد شده و نگهداری اجساد بیش‌ازحد نیاز با هدف استفاده از آن در زمان عدم تأمین را صحیح شمرده‌اند. این عمل در دیگر مذاهب، ناشایست خوانده شده و تنها به قدر نیاز صحیح شمرده شده است.

در مورد احترام مسلمان و اولویت تشریح جسد کافر، این مسئله تنها در مذهب حنفی بحث نشده است و در دیگر مذاهب همانند فقه امامیه نیز لزوم اولویت تشریح جسد کافر بیان شده است. به عقیده حنفیان، تشریح جسد برای میت احترام داشته و نشان از بزرگواری وی است؛ از این رو تشریح آن بی‌احترامی محسوب نشده که آن را به کافر نسبت دهند. در عین حال همین مذهب اسلامی، بدون ذکر نام کافر یا مسلمان، آسیب‌رسانی به اعضای درونی را منع کرده و آن را مستوجب دیه دانسته است. با توجه به کمبود منابع در این حوزه، نمی‌توان عنوان عمومی را به این نظر اطلاق کرد، اما ظاهراً این حرمت برای اجساد مسلمان بوده و مثله‌کردن جسد متعلق به کافران است. این اظهارنظر در دیگر مذاهب چهارگانه جایگاهی نداشته و همگی مثله‌کردن جسد برای آموزش را مجاز خوانده‌اند، اما مقدار دیه در مذاهب چهارگانه یکسان لحاظ شده و آن را با دیه انسان زنده، یکسان دانسته‌اند.

همان‌طور که بیان شد، حکم اصلی لزوم تشریح جسد با هدف آموزش پزشکی در مذاهب اهل سنت و تشیع یکسان است و تفاوت‌ها تنها در شیوه تشریح است. با توجه به اینکه اکثریت اهل تسنن ساکن کشور را شافعیان تشکیل می‌دهند، تطابق دیدگاه این مذهب با فقه امامیه موجب یک‌دست شدن قوانین مصوب در کشور و فقدان تناقض خاص در این حوزه شده است. وصیت میت برای سپردن جسد وی پس از مرگ به دانشگاه علوم پزشکی، در تمامی مذاهب چهارگانه و همچنین فقه امامیه تأیید شده و بدین صورت راه‌حلی مناسب برای تأمین جسد، فراهم شده است. انتقال میت تنها در مذهب حنفی نهی شده و در دیگر مذاهب اهل سنت و همچنین فقه امامیه، مورد تأیید فقهاست. اختلاف‌های موجود در احکام تشریح جسد، معمولاً در یک الی دو مذهب اهل سنت مشاهده می‌شود و قابلیت تعمیم به کل اهل سنت را ندارد. بر این اساس می‌توان اصول کلی تشریح جسد بین دو مذهب بزرگ اسلامی تشیع و تسنن را یکسان دانست.

3. انعکاس نظرات فقهی در منابع حقوقی

اصل 43 قانون اساسی کشور، عدم اجبار به کار معین را بر تمامی امورات کشور تعیین کرده است. در تفسیر این اصل توسط شورای نگهبان، به هیچ وجه نمی‌توان فردی را مجبور به عمل مشخصی کرد؛ مگر آنکه به موجب اصل 40، موجبات سوءاستفاده از این حق معین شود. بر این اساس، می‌توان چنین تفسیر کرد که بیماران، صاحبان جسد و دیگر افراد که تشریح روی آن‌ها می‌تواند موجبات توجیه دانشجویان پزشکی و مهارت آن‌ها در ادامه فعالیت‌های علمی‌شان شود، این حق را دارند که مانع از تشریح بر حق خود شوند. بدین صورت، دانشگاه‌های علوم پزشکی در تشریح بیماران باید رضایت کامل آنان را کسب کنند. کسب رضایت برای وارثان می‌تواند که قصد تشریح جسدش را دارند، نیاز است، اما اگر شرایط به گونه‌ای باشد که عدم تشریح، موجب بروز مفسده می‌شود، آنگاه به موجب اصل 40 قانون اساسی می‌توان بدون اجازه نیز نسبت به تشریح اقدام کرد. این مهم در بیانات فقهای مذهب حنبلی نیز آمده است. برای مثال اگر بیماری جدیدی یافت شود که شرح روی بدن وی می‌تواند مانع از بروز آن در جامعه شود، و در حال حاضر تنها یک بیمار برای این مهم وجود دارد، در مرحله نخست قصد بر کسب رضایت بیمار بر تشریح است، اما اگر با آن مخالفت شود، حاکم اسلامی می‌تواند حکم به تشریح بدون اذن وی دهد.

در قانون مدنی بحث رضایت در مواد مختلف به ویژه در ماده 190 آمده است. هر چند این مهم در معامله‌های تجاری کاربرد دارد، اما توافق بر سر تشریح، نوعی معامله محسوب می‌شود که باید رضایت آن کسب شود. تنها در مواردی که حیات جامعه به تشریح وابسته بوده و افراد از حق قانونی خویش استفاده صحیح نکنند، می‌توان به حکم اصل 40 قانون اساسی، در این مورد اقدام قهری انجام داد.

فصل هشتم قانون مجازات اسلامی به دیه جنایت بر میت پرداخته است و مبتنی بر بیانات فقهای محترم، هرگونه بی‌حرمتی به میت در حین تشریح جسد را ممنوع دانسته است. در این فصل آمده است که دیه جنایت بر میت، یک‌دهم دیه کامل انسان زنده است؛ مانند جداکردن سر از بدن میت که یک‌دهم دیه و جداکردن یک دست، یک‌بیستم دیه و هر دو دست، یک‌دهم دیه و یک انگشت، یک‌صدم دیه کامل را دارد. دیه جراحات وارده به سروصورت و سایر اعضا و جوارح میت به همین نسبت محاسبه می‌شود. دیه جنایت بر میت به ارث نمی‌رسد بلکه متعلق به خود میت است که در صورت مدیون بودن وی و عدم کفایت ترکه، صرف پرداخت بدهی او می‌شود؛ وگرنه در امور خیر صرف می‌شود.

بر مبنای حقوق کشورمان نیز کسب رضایت جهت تشریح در دانشگاه‌های علوم پزشکی نیاز است و در صورت بی‌احترامی به تشریح‌شونده (انسان زنده یا مرده) محکومیت‌های کیفری برای خاطیان در نظر گرفته شده است.

نتیجه‌گیری

از بین مذاهب چهارگانه اهل سنت، مذهب شافعی در مورد اخلاق آموزش پزشکی، نزدیک‌ترین دیدگاه با فقه امامیه را دارد. دقیقاً شرایطی که برای اخلاق آموزش پزشکی بیان شد، در این مذهب تکرار شده و استنادهای آن نیز تقریباً یکسان است. فقهای این مذهب به همان آیات و روایاتی استناد کرده‌اند که در متون فقه امامیه وجود دارد. مذهب مالکی نسبت به فساد جسد سخت‌گیری‌های بیشتری کرده و مطابق فتاوی بزرگان این مذهب، در صورت فاسدشدن جسد، دبه به آن تعلق می‌گیرد. برخلاف فقه امامیه نگهداری بیش از لزوم اجساد با هدف تشریح مجاز شمرده شده و بر حفظ حرمت بیمار در این فقه بیشتر تأکید شده است. همچنین در این مذهب بر مسئله هم‌جنس‌بودن تشریح‌شونده، تشریح‌کننده و بینندگان تأکید فراوان شده است و آن را مصداق حفظ حرمت دانسته‌اند، اما اکثر بیانات فقهی به لزوم عدم اختلاط کلاس‌های آموزشی که مسائل جنسی در آن مطرح می‌شود، اعتقاد دارند. همچنین رضایت وراثت برای سپردن جسد به دانشگاه در این مذهب کافی نیست. حنفیان مدت محدودی را برای تشریح بیان کرده‌اند و پس از پایان باید نسبت به تدفین میت اقدام کرد. بخیه‌زدن بر پوست میت، مجاز بوده ولی هرگونه آسیب به اجزای درونی آن ممنوع است. برخلاف فقه امامیه، در این مذهب از اولویت‌داشتن تشریح جسد کافر سخنی به میان نیامده است.

صورت کلی نظر فقهای اسلامی در مورد تشریح جسد یکسان است. هیچ‌یک از فقهای مسلمان در مذاهب مختلف نسبت به منع تشریح جسد حکم نداده‌اند. تنها استنادها به این مسئله متفاوت بوده و احکام جزئی برای آن برشمرده‌اند. مذاهب چهارگانه نیز با وجود تفاوت در جزئیات و احکام مرتبط با تشریح جسد، این مورد را مجاز دانسته و با هدف حفظ جان مسلمانان و مصلحت جامعه، نسبت به تعدیل برخی احکام فتوا داده‌اند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- ابن ادریس حلی (1410ق)، السرائر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، جلد اول.
ابن رجب (1409ق)، فتح الباری، دمشق: دارالکتب، چاپ اول، جلد سوم.
ابن عابدین، محمد امین (1412ق)، رد المختار، دمشق: صالحین، چاپ چهارم، جلد دوم.
ابن عبدالرحمن، محمد (1406ق)، شرحه، قاهره: الازهر، چاپ شانزدهم، جلد دوم.
ابن قدامه (1411ق)، المغنی، قاهره: الازهر، چاپ هفتم، جلد اول.
ابن نجیم، زین الدین (1412ق)، البحر الرائق، دمشق: صالحین، چاپ سوم، جلد دوم.
ابن تیمیه، ابوبرکات (1409ق)، المحرر، امان: قیاس، چاپ هفدهم، جلد دوم.
ابن همام (1407ق)، فتح القدر، دمشق: دارالکتب، چاپ سوم، جلد اول.
ابواسحاق (1416ق)، المهدب، دمشق: دارالکبیر، چاپ سوم، جلد اول.
انصاری، ابویحیی (1407ق)، مطالب، دمشق: دارالکتب، چاپ دوم، جلد اول.
بلخی، لجنه (1400ق)، الفتاوی، بیروت: دارالکتب، چاپ سیزدهم، جلد پنجم.
بهشتی، مطهره (1392)، «بررسی احکام کالبدشکافی و نیش قبر میت در کشف جرم و احقاق حق»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری.
- بهوتی، منصور (1051ق)، کشاف القناع، امان: قیاس، چاپ دوازدهم، جلد دوم.
حسینی حموی، احمد (1400ق)، نظایر، بیروت: دارالکتب، چاپ اول، جلد اول.
حسینی، مریم (1394)، «حکم تشریح میت مجهول الهویه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث.
حصفکی، محمد علاء الدین (1088ق)، رد المختار، قاهره: الازهر، چاپ اول، جلد اول.
حکیم، محمدتقی (1377)، الفقه المغتربین، نجف: نشر آیت الله سیستانی، چاپ سوم، جلد اول.
خویی، ابوالقاسم (1418ق)، منهاج الصالحین، نجف اشرف: مطبوعه الاداب، چاپ بیست و هفتم، جلد اول.
داماد افندی، محمد بن سلیمان (1079ق)، مجمع النهر، قاهره: الازهر، چاپ اول، جلد اول.
دسوقی، محمد عرفه (1413ق)، شرح کبیر، دمشق: دارالکتب، چاپ یازدهم، جلد سوم.
- سایت امام خامنه‌ای، khameneii.ir تاریخ مراجعه 1399/05/27.
سایت آنا پرس، <https://ana.press> تاریخ مراجعه 1399/05/22.

- سایت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی <http://sbmu.ac.ir> تاریخ مراجعه 1399/05/29.
- سایت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، <https://www.kums.ac.ir> تاریخ مراجعه 1399/05/28.
- سرخسی (480ق)، المبسوط، قم: دارالقلم، چاپ سوم، جلد دوم.
- سیستانی، علی (1382)، رساله توضیح المسائل، قم: دارالقلم، چاپ سوم، جلد اول.
- شربینی، شمس‌الدین (1411ق)، صادقیه، دمشق: دارالقلم، چاپ اول، جلد اول.
- شربنلالی، حسن بن عمار (2009 م)، *مراقی الفلاح بإمداد الفتاح شرح نور ایضاح و نجات الأرواح و بهامشه متن نور ایضاح مع تقریرات من حاشیة الطحطاوی*، قاهره: الازهر، چاپ اول، جلد اول.
- شیخ مفید (1384)، المقنعه، قم: دارالقلم، چاپ اول، جلد اول.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (1419ق)، رساله توضیح المسائل، قم: دفتر گلپایگانی، چاپ اول، جلد اول.
- طباطبایی حکیم، محمدسعید (1417ق)، *فقه المغتربین*، بیروت: دارالزهر، چاپ اول، جلد اول.
- طوسی، م (1401ق)، تهذیب، بیروت: دارالتعارف، چاپ اول، جلد دهم.
- طوسی، م (1408ق)، المبسوط، قم: دارالقلم، چاپ اول، جلد اول.
- طوسی، م (1417ق)، الخلاف، قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول، جلد اول.
- عبدالسمیع، صالح (1405ق)، *جواهر الاکلیل*، دمشق: دارالکتب، چاپ اول، جلد اول.
- عبده، محمد (1330ق)، *تفسیر منار*، قاهره: الازهر، چاپ سوم، جلد اول.
- العدوی، ابوالحسن (1415ق)، *حاشیه کفایت*، دمشق: دارالکتب، چاپ یازدهم، جلد سوم.
- علم‌الهدی، م. (1412ق)، *الانتصار جوامع الفقہیہ*، تهران: جهان، چاپ اول، جلد اول.
- غفاری، راضیه (1395)، «امکان بزه‌دیدگی پس از مرگ»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تبریز.
- فاضل لنکرانی، محمد (1377)، *استفتائات*، قم: مدرسه امیرالمؤمنین، چاپ سوم، جلد اول.
- فرهنگ لغت دهخدا.
- فرهنگ لغت عربی - فارسی.
- فرهنگ لغت عمید.
- فرهنگ لغت معین.
- فرهنگ واژه‌های سره.
- قاری، ملا علی (1359ق)، *کجله احکام شرعیہ*، بیروت: کتب اسلامی، چاپ نهم، جلد اول.
- قانون مجازات اسلامی مصوب 1392.
- کریمی، حسین (1394)، «فقه شیعه و نیازهای جهان معاصر»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

- کلینی، م. (1360) اصول کافی، قم: دارالحدیث، چاپ دهم، جلد سوم.
- کلینی، م. (1402ق)، فروع کافی، بیروت: دارالتعارف، چاپ اول، جلد اول.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (1372)، توضیح المسائل، قم: دارالقلم، چاپ اول، جلد اول.
- گلپایگانی، م. (1394)، رساله توضیح المسائل، قم: دارالمعارف، چاپ اول، جلد اول.
- ماوردی، ابوالحسن (1417ق)، الحاوی کبیر، دمشق: دارالکتب، چاپ یازدهم، جلد اول.
- مصاحبه با ماموستا سید رستم حسینی، 1399/05/31، امام جمعه اهل سنت جواترود.
- مصاحبه با ماموستا ملا سید محمد محمدی، 1399/05/30، امام جمعه اهل سنت روانسر.
- مصاحبه با ماموستا ملا قادر قادری، 1399/05/29، امام جمعه اهل سنت پاوه.
- مصاحبه با ماموستا ملا محمد محمدی، 1399/04/29، امام جمعه اهل سنت کرمانشاه.
- مصطفوی، حسن (1402ق)، التحقیق فی کلمات قرآن، تهران: مرکز کتاب، چاپ اول، جلد اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (1380)، استفتائات جدید، قم: امیرالمؤمنین، چاپ سوم، جلد اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (1380)، بحوث فقهیه، قم: دارالقلم، چاپ اول، جلد اول.
- مواق مالکی، محمد بن یوسف (1407ق)، مواهب، قاهره: الازهر، چاپ شانزدهم، جلد دوم.
- مودود، عدالله (1401ق)، وصال موصل، چاپ دوم، جلد دوم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (1370)، توضیح المسائل، قم: دارالقلم، چاپ هفتم، جلد اول.
- موسوی خمینی، سید روح الله (1372)، تحریر الوسیله، قم: دارالقلم، چاپ سوم، جلد اول.
- موسوی خمینی، سید روح الله (1380)، استفتائات، قم: جامعه مدرسین، چاپ سوم، جلد اول.
- نجدی، عثمان (1097ق)، هداية الراغب، مسقط: سلامه، چاپ هشتم، جلد دوم.
- نوی، ابوزکریا (1408ق)، المهذب، دمشق: دارالکتب، چاپ دهم، جلد پنجم.
- یگانگی، سیده فاطمه (1378)، «بررسی تطبیقی احکام پیوند تشریح و تلقیح»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.